

شناخت موسیقی ایران



محمد تقی

شناخت موسیقی ایران

تقی بینش

دانشگاه هنر

تهران ۱۳۸۲

پیشگفتار

تاریخ و تمدن گسترده ایران زمین مشحون از جلوه‌های خیره‌کننده و اعجاب‌برانگیز خلاقیت‌های هنری است. جلوه‌هایی ناب برخاسته از جانهای شیفته که در پی دریافت حقیقت هستی، بارقه‌هایی از آن را چون ودیعه‌ای الهی در کلام و نوا و رنگ و نقش، باز می‌نمایند. در این رهگذر، پالایش عمیق از منیت‌ها و دورنگی‌ها، به مدد جهان‌بینی اسلامی، هنرمند ایرانی را به منتهی‌درجه خلوص و عشق می‌رساند.

هنر سنتی ایران لبریز از جلوه‌های ذات هستی‌بخش است. نظر به وجه‌ها...، عرفان و شهود دستمایه‌های اصلی آفرینش‌های هنری است و لذا لازمان و لامکان می‌گردد. چگونه می‌توان بدون درنگی لبریز از ایمان در گذشته‌ای چنین مقدس، به هنر امروزین پرداخت. گامهای فرازین را می‌توان از بلندای هنر مقدس که همچون پیراهنی بر تن همه رازها و نیازها پوشانده شده است، برداشت.

کتاب حاضر، اینک درنگی است بر گذشته و حال موسیقی این سرزمین، سخن از دانشی گسترده، دل‌هایی آگاه و چشمانی بصیر است، که آرام و صبور پایه‌هایی استوار و درخور برای موسیقی ایرانی بنا نهادند. سخن از آنها که موسیقی آسمان را می‌شناختند... . مؤلف این کتاب شادروان تقی بینش است. گرچه چاپ کتاب در زمان حیات او میسر نشد ولی به‌یقین انتشار آنچه جان‌مایه وجود اوست، آنچه لحظه‌های شیرین حیات را برایش آسان‌فدا می‌نمود، به‌خرسندی روان پاک او خواهد انجامید. امید که حاصل زحماتش ره‌توشه‌ی جوانان هنرجو و پاک‌نهاد این سرزمین باشد.

معاونت پژوهشی دانشگاه هنر

مقدمه

کتاب «شناخت موسیقی ایران»، آخرین تألیف شادروان استاد تقی بینش، شامل اطلاعاتی در زمینه مباحث و موضوعات گوناگون و بنیادی موسیقی قدیم و معاصر ایران است. مباحث این کتاب سلسله‌درسهائی است که در دانشکده‌های موسیقی و مؤسسات آموزشی کشور توسط خود استاد تدریس می‌شده است. دانشگاه هنر به منظور اعتلاء سطح دانش موسیقائی دانشجویان و بهره‌مندی دانش‌پژوهان موسیقی، چاپ این سلسله‌درسه‌ها را در یک مجموعه در برنامه‌های انتشاراتی و آموزشی خود قرار داد. کتاب حاضر در آخرین سالهای حیات استاد به منظور چاپ و انتشار تحویل دانشگاه هنر گردید. فرم اول چاپی کتاب نیز به نظر استاد رسید. لیکن با فوت ایشان، ادامه کار دچار وقفه شد.

در نهایت از آنجائی که اینجانب در امر پژوهش در باب موسیقی ایران افتخار شاگردی استاد را داشتم و با شیوه نگارش و تألیفات استاد نیز آشنا بودم، وظیفه کلیه اموری را که منجر به چاپ کتاب فوق‌الذکر می‌شد، با کمال میل متقبل شدم و اموری از قبیل تهیه طرح‌ها، نمودار، جداول، تصاویر، زیرنویسها، تهیه فهرست منابع و مآخذ، فصل‌بندی، ویراستاری و حتی مقابله متن چاپ‌شده با دست‌نوشته استاد و نظارت بر تمام امور فوق را شخصاً انجام دادم. خوشبختانه حاصل این تلاش و همکاری با دانشگاه هنر به ثمر نشست و منجر به انتشار کتابی شد که در پیش رو دارید.

یکی از اهداف استاد مطرح کردن غنای موسیقی ایرانی و علمی بودن آن در تمام ابعاد و نشان دادن سهم عمده‌ای است که موسیقیدانان گذشته ایران، چون «فارابی»، «ابوعلی سینا»، «اسحق کنندی»، «صفی‌الدین ارموی»، «عبدالقادر مراغه‌ای» و دیگران در علمی کردن موسیقی در سطح جهان بویژه در سرزمینهای اسلامی از جمله ایران داشته‌اند.

هدف دیگر استاد پیوند دادن موسیقی قدیم و معاصر ایران بوده و تلاش ایشان در این راه بازیابی ریشه‌های موسیقی نوین ایرانی در موسیقی قدیم ایران بوده است. مباحث این کتاب، از مقولات عمده و بنیادی موسیقی ایرانی است که در باب هریک از آنها

متعددی نگاشته شده و می‌تواند بازهم به نگارش درآید. استاد در این کتاب، مانند دیگر تألیفاتش، سعی داشته که اطلاعات کلی در باب این مباحث در اختیار دانشجویان و دانش‌پژوهان موسیقی ایرانی قرار دهد و با مطرح کردن این که موضوعات و عناوین موسیقی ایرانی در چه باب‌هایی است، آنها را ترغیب و تشویق به پژوهش بیشتر و پیگیری در این راستا نماید.

لازم به تذکر است که با همت و دانش و پشتکار استاد تقی بینش بود که مردم با تعداد زیادی از نسخ و متون قدیم موسیقی ایران، از جمله مقاصدالاحان و جامع‌الاحان، دو اثر «عبدالقادر مراغی»؛ شرح ادوار ارموی تألیف «عبدالقادر مراغی»، سه رساله فارسی در موسیقی، که سه رساله معتبر در یک کتاب است از «ابوعلی سینا» و دیگران آشنا شدند.

یکی دیگر از اهداف استاد بیان این موضوع است که فاصله و شکافی بین موسیقی عملی و نظری وجود ندارد و نباید آن را دو رشته جدا از هم و بیگانه تلقی نمود. خود استاد نمونه بارز ترکیب این دو باهم بود. موسیقی عملی را نزد استاد علی‌اکبرخان شهنازی آموخت و موسیقی نظری را به سبب علاقه شخصی و پاسخ به نیاز جامعه برای دانستن مبانی نظری موسیقی ایران پیگیری نمود و به دلیل دانستن زبانهای عربی و فرانسه و دسترسی به نسخ خطی کتابخانه‌های مهم کشور از جمله کتابخانه آستان قدس رضوی و همکاری تنگاتنگ با دانشگاهها و مؤسسات علمی و آموزشی کشور، موفق به تألیف کتبی چند در این زمینه گردید. حاصل همه این تلاشها موجب شد که استاد تقی بینش در این زمینه یکی از افراد صاحب‌نام و منحصر به فرد گردد. روانش شادباد.

با این امید که دانشجویان و دانش‌پژوهان موسیقی ایران راه این استاد را پیگیری نمایند.

بهروز وجدانی

تهران، بهار ۱۳۷۶

فهرست

۱	درآمد
۳	موسیقی
۵	نغمه پردازی و نغمه نگاری
۱۵	ابعاد، فواصل
۲۳	روش انگشتان یا نظام انگشتی (اصابع)
۲۴	گام اسحق موصلی
۲۵	گام یعقوب کندی
۲۵	گام فارابی
۲۶	گام ابن سینا
۲۹	واحد‌های موسیقی
۳۳	ایقاع
۵۵	نظام ادواری و نظام دستگاهی موسیقی ایران
۶۷	گام‌های ایرانی و گام ۲۴ قسمتی
۷۹	گام هفده قسمتی
۸۱	گام کنونی موسیقی ایرانی
۸۵	خاندان هنر
۸۹	تصنیف
۹۹	موسیقی بومی یا محلی ایرانی
۱۱۷	سازهای ایرانی
۱۳۳	سازهای آرمانی ایران
۱۳۳	عود

۱۴۵	رباب
۱۵۲	تار و سه تار
۱۶۱	نی، نای
۱۶۹	فهرست منابع

موسیقی

واژه موسیقی که در عربی موسی قی تلفظ می‌شود ریشه یونانی (Greek) دارد و در یونانی (Musika) بوده که در فرانسه Musique، انگلیسی Music و آلمانی Musik شده است. چنان که می‌دانیم از زمان منصور، دومین خلیفه عباسی (۱۳۶-۱۵۸ هـ/ ۷۵۴-۷۷۵ م) توجه به آثار یونانی آغاز شد و سپس در دوران هارون پنجمین خلیفه عباسی (۱۷۰-۱۹۳ هـ/ ۷۸۶-۸۰۹ م) و بالاخره مأمون هفتمین خلیفه عباسی (۱۹۸-۲۱۸ هـ/ ۸۱۳-۸۳۳ م) با تأسیس بیت‌الحکمه به اوج خود رسید و بسیاری از آثار اندیشمندان یونانی از طریق سریانی و عبری به عربی ترجمه شد. پس مقارن همین ایام بوده است که واژه موسیقی راه یافته و به تدریج جایگزین غناء عربی شده است. بدیهی است با از بین رفتن بسیاری از آثار ارزنده هنرمندان و بزرگان سده‌های نخستین هجری نمی‌توان نظر قطعی اظهار داشت ولی براساس مدارک موجود واژه موسیقی و همخانواده‌های آن در مفاتیح‌العلوم خوارزمی و رساله موسیقی اخوان‌الصفاء دیده می‌شود که هر دو در سده چهارم هجری (دهم میلادی) صورت تألیف یافته است.

خوارزمی (ابوعبدالله محمد بن احمد بن یوسف الکاتب) معاصر نوح ثانی هشتمین فرد از سلسله سامانیان (۳۶۵-۳۸۷ هـ/ ۹۷۶-۹۹۷ م) که ظاهراً مفاتیح‌العلوم را به تشویق عتبی وزیر تألیف کرده است در باب هفتم از مقاله دوم آن کتاب از موسیقی سخن می‌گوید و با آن که به اختصار برگزار کرده است، مطالب و اطلاعات بسیار مهمی را در اختیار ما می‌گذارد. نخست در تعریف موسیقی می‌گوید: «الموسیقی معناه تألیف الالحان و اللفظة یونانیه (چاپ مصر، ۱۳۴۲ هـ، ص ۳۶»

موسیقی به معنی بیوند آهنگها و واژه‌های یونانی است. که می‌توان تألیف را معادل Composition و الحان را جمع لحن Melody گرفت.

رساله پنجم از بخش ریاضی «الرسالة الخامسة من القسم الرياضي»، رسائل اخوان الصفاء در موسیقی است که در آغاز آن می‌گویند موسیقی تنها صنعت یا هنری Art است که برخلاف دیگر هنرهای دستی «کلّ صناعة تُعمل بالیدین» هیولا Ogre یا ماده اصلی و اولیه‌اش جواهر روحانی است (چاپ قم ۱۴۰۵ ق، ج ۱ ص ۱۸۳) سپس موسیقی را هم ارز غنا دانست «ان الموسيقى هي الغناء» (همان ص ۱۸۸) که غناء در عربی دو مفهوم فعلی Sing و اسمی Song ناظر به موسیقی آوازی دارد.

از واژه‌های همخانواده موسیقی در همان مفاتیح‌العلوم و رساله موسیقی اخوان الصفاء می‌توان نمونه‌هایی را ملاحظه کرد، از آن جمله است موسیقور و موسیقار که خوارزمی آنها را «سَمی المطرب و مؤلف الاحان» یعنی همتای موسیقی‌دان Musician و آهنگ‌ساز (ص ۱۳۶) دانسته است. در رساله موسیقی اخوان الصفاء نیز موسیقار به معنی مغنی (آوازه‌خوان، رامشگر یا در معنی عام: موسیقی‌دان) و موسیقات به معنی ساز دیده می‌شود: «والموسیقات هو آلة الغناء، الموسیقار هو المغنی» (ص ۱۸۸). با مرور زمان تعبیرها و مفاهیم نمادین symbolic جالب توجهی در موسیقی دوران اسلامی ایران به وجود آمده است که از آن جمله موسیقار است. در فرهنگها غیر از نام نوعی ساز چنین آورده‌اند که «نام پرندهای است که در منقار او سوراخ بسیاری هست و از آن سوراخها آوازهای گوناگون برمی‌آید» (برهان قاطع با حواشی دکتر معین، ذیل: موسیقار).

نغمه‌پردازی و نغمه‌نگاری Notation

اگرچه بر اثر از بین رفتن مدارک و آثار سده‌های نخستین هجری و از جمله آثاری که در موسیقی نگاشته شده بوده است، اطلاعاتی از روند نغمه‌پردازی در آن روزگاران در دست نیست ولی به دلیل وجود شیوه‌ای از نغمه‌نگاری در آثار باقی‌مانده کندی در موسیقی (ابویوسف یعقوب بن اسحاق، در گذشته ۲۶۰ هـ / ۸۷۴ م) معروف به فیلسوف عرب؛ معلوم می‌شود پیشینیان برای ثبت و ضبط نغمه‌ها Notes و آهنگها (الحان) Melodies روشهایی داشته‌اند. همچنین در شرح حال اسحاق موصلی موسیقی‌دان نامدار ایرانی (در گذشته ۲۳۵ هـ / ۸۵۰ م) نوشته‌اند نسخه‌ای از آهنگی را که ساخته بوده است، مهدی خلیفه عباسی (سومین، ۱۵۸-۱۶۹ هـ / ۷۷۵-۷۸۵ م) یا پسرش ابراهیم که خود موسیقی‌دان زیردستی بوده است از وی خواسته بوده‌اند برایشان بفرستد.^۱

به قراری که از رساله فی خبر صناعة التالیف (خبر یعنی شناخت یا دانش المنجد) برمی‌آید کندی نغمه‌های اکتاو (هنگام Octave) را با حروف ابجد از الف تا کاف نشان می‌داده است و در اکتاو دوم همانها را تکرار می‌کرده که اکتاو را الذی بالکل می‌نامیده و همانند یونان باستان بر مبنای Minor، از La به عنوان ut آغاز می‌کرده و دو اکتاو را با افزودن اولی (= اول) از یکدیگر مشخص می‌کرده است.^۲

گام «کندی» از «لا» شروع شده و به قرار زیر است:

۱. H. G. Farmer, A History of Arabian Music, London, 1964.

۲. رساله «کندی فی خبر صناعة التالیف»، یوسف سوقی، قاهره ۱۹۶۹ ص ۳۵.